

*A tow Quarterly specialized-
scholarly journal
Hadith Studies
Vol.3, No.6, , Fall & winter 2018*

دو فصل نامه علمی-تخصصی
مطالعات حدیث پژوهی
س ۳ ش ۶ پاییز و زمستان ۱۳۹۷

راهکارهای آموزش قرآن و نماز به کودکان در روایات

میرزام الدین میرزا نظر*

چکیده

برای دینی سازی جامعه و شکل دهی جامعه آرمانی اسلامی لازم است که آموزشهای لازم از همان دوره کودکی مورد توجه قرار گیرد و از جمله مواردی که در روایات معصومین (ع) بر آن تاکید شده است آموزش قرآن و نماز است از جمله راهکارهای آموزش قرآن و نماز در روایات این است که در سیره معصومین(ع) آموزش قرآن را به عنوان اولین و مهم ترین ماده درسی به کودکان و بزرگسالان آموزش می دادند و نیز به کودکان سفارش می کردند که به صورت مرتب به تلاوت قرآن بپردازند و والدین را موظف به آموزش نماز می کردند و آموزش نماز را قبل از سن تکلیف و از هفت سالگی شروع می نمودند و در انجام آن نسبت به کودکان سخت گیری نمی نمودند.

واژه‌های کلیدی: ، نماز ، کودک، تربیت دینی، سیره اهل بیت (ع)

مقدمه

یکی از مهم ترین ابعاد تربیت دینی در دوره کودکی، آموزش قرآن و نماز است. که باعث پرورش بعد معنوی و ایجاد زمینه ارتباط با خداوند است، لذا بسیار مورد تأکید پیشوایان دینی(ع) می باشد.

در اسلام یک سری دستورات عبادی مطرح است که فرزند عملاً باید با آن آشنا شود. به عنوان نمونه، لقمان حکیم به فرزندش می فرماید: «يَا بُنَيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ وَأْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَانْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ»؛ «ای پسر! نماز را به پا دار و امر به معروف و نهی از منکر نما.» اهمیت آموزش اعمال عبادی به کودکان تا به جایی است که حضرت ابراهیم علیه السلام در دعا برای فرزندانش، آن را از درگاه الهی می طلبند: «رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي»؛ «پروردگارا! مرا برپا کننده نماز قرار ده، و از فرزندانم [نیز چنین فرما].» در این تحقیق به بررسی راهکارهای آموزش قرآن و نماز به کودکان می پردازیم.

۱. آموزش قرآن به کودکان

اسلام تأکید زیادی بر تعلیم قرآن به کودکان دارد و در منابع تربیتی اسلامی آموزش و تعلیم قرآن به کودکان، به عنوان یکی از وظایف مسلم پدران شناخته شده است که در این باره بحث خواهیم کرد.

معصومان(ع) خواندن قرآن را به کودکان می آموختند. نقل شده است:

عبدالرحمان بن سلمی به فرزند امام حسین(ع) سوره حمد را آموخت. هنگامی که فرزند امام، سوره حمد را بر امام خواند، امام به عبدالرحمان هزار دینار و هزار حله عطا کرد و دهانش را پر از در کرد.^۱

این سیره به روشنی دلالت دارد که امام(ع) به آموزش قرآن به فرزندانش اهتمام داشته است. از نامه امیرالمؤمنین(ع) به امام حسن(ع) بر می آید که ایشان نیز قرآن را به امام حسن در کودکی آموخته است. در آن نامه می خوانیم: آموزش تو را با کتاب خدا و تفسیر آن و [با آموزش] شرایع اسلام و احکام و حلال و حرام آن آغاز کردم.^۲

^۱ : سوره لقمان/ ۱۷

^۲ : سوره ابراهیم / ۴۰

^۳ : (ان عبدالرحمن السلمی علم ولد الحسين(ع) الحمد. فلما قرأها علی أبیه أعطاه ألف دینار، و ألف حله، و حشا فاه دراً). مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۱۹۱، روایت ۳.

^۴ : (و أن ابتدئک بتعلیم کتاب الله و تأویله و شرائع الاسلام و أحكامه و حلاله و حرامه.) همان، بحارالانوار، ج ۱، ص ۲۱۹.

معصومان(ع) نیز والدین را نیز به آموزش قرآن به فرزندان خود توصیه کرده اند. در روایتی از پیامبر(ص) آمده است:

کسی که به فرزندش قرآن بیاموزد، گویی ده هزار حج انجام داده است.^۱

۲. آموزش قرآن به عنوان اولین ماده درسی

دوره ی کودکی و نوجوانی دوره ای است که انسان آسان تر می آموزد و آموخته هایش نیز پایدارتر و استوارتر است. پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) می فرماید:

قال رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم): من تعلم فی شبابه کان بمنزله الرسم فی الحجر، و من تعلم و هو کبیر کان بمنزله الکتاب علی وجه الماء.

«آنکه در جوانی بیاموزد، آموزشش به منزله نقش در سنگ است و آنکه در بزرگسالی بیاموزد، آموزشش به منزله نوشتن بر آب است.»^۲

افزون بر این، دوره ی کودکی و نوجوانی دوره ی شکل گیری شخصیت است و به همین سبب، در این دوره انعطاف پذیری و تأثیر پذیری و به تبع آن، آمادگی و تغییر پذیری بسیار زیاد است. در حالی که به موازات افزایش سن، میزان انعطاف پذیری و تغییر پذیری کاهش می یابد و در دوره کهنسالی به کمترین حد می رسد.

امیرمؤمنان علی (علیه السلام) در نامه اش به فرزندش امام حسن (علیه السلام) به همین نکته اشاره می کند و می فرماید:

«قلب و جان جوان چون زمین ناکاشته است؛ هر بذری را که در آن افکنده شود می پذیرد؛ از این رو به ادب آموختنت پرداختم، پیش از آنکه قلب و جانت سخت شود و ذهنت مشغول گردد.»^۳

روایت ۴۸.

^۱: (قال رسول الله(ص): من علم ولده القرآن فکانما حجّ البيت عشرة ألف حجّة، و أعتمر عشرة ألف عمره، و أعتق عشرة ألف رقبة من ولد إسماعیل(ع)، و غزا عشرة ألف غزوة، و أطعم عشرة ألف مسکین مسلم جائع، و کاتما کسا عشرة ألف عار مسلم، و یکتب له بكلّ حرف عشرة حسنات، و یمحی عنه عشر سيئات، و یكون معه فی قبره حتّى یبعث، و یثقل میزانه، و يتجاوز به علی الصراط کالبراق الخاطف، ولم یفارقه القرآن حتّى ینزل به من الکرامه أفضل ما یتمنّى.) همان، ج ۸۹، ص ۱۸۸، روایت ۱۲.

^۲: همان، بحار الانوار، ج ۱، ص ۲۲۲، حدیث ۶.

^۳: و إنما قلب الحدث کالأرض الخالیة، ما ألقى فیها من شیء قبلته؛ فبادرتک بالأدب قبل أن یقسو قلبک و یشغل لبک، نهج البلاغه، ص ۲۹۵

از نظر امام (علیه السلام) روح و روان کودک و نوجوان همانند زمین کشاورزی کشت نشده است که هر بذری در آن بکارند، می روید و رشد می کند. در حالی که روح و روان کهنسالان و میانسالان همانند زمین کشاورزی کاشته شده است که توانایی رویاندن بذر جدید را ندارد. به دیگر سخن، گویی امام (علیه السلام) (بر این است که تغییر پذیری و انعطاف پذیری انسان مانند توانایی باتری غیر قابل شارژ، محدود است. از آنجا که بزرگسالان این توانایی را در دوره ی کودکی و نوجوانی مصرف کرده اند، توانایی پذیرش معرفت ها و باورها و رفتارهای جدید را ندارند. اما کودکان و نوجوانان این توانایی را مصرف نکرده اند و به همین سبب قابلیت پذیرش ساختارهای نو در آنها باقی است.

از سوی دیگر، هدف قرآن آموزی تنها قرائت قرآن نیست؛ بلکه قرائت قرآن مقدمه آشنایی با آموزه ها و معارف وحیانی و عمل به آنهاست. به عبارتی دقیق تر، غرض اصلی آموزش قرآن این است که شخصیت مرتبی شخصیتی قرآنی گردد، به گونه ای که تمام اعمال و رفتار و گفتار وی با معیارهای قرآنی منطبق باشد. بنابراین، اگر بخواهیم نسل جدید قرآن را به آسانی بیاموزند و از دریای معارف آن بهره مند شوند و کاخ شخصیت آنها بر پایه ی آموزه های وحیانی بنا شود، بهترین راه این است که در اولین فرصت و به عنوان اولین ماده ی درسی وی را با قرآن آشنا کنیم و قرائت قرآن را به وی بیاموزیم؛ چنان که معصومان (علیهم السلام) چنین می کردند. در سیره ی امام حسین (علیه السلام) آمده است:

«عبدالرحمان بن سلمی به فرزند امام حسین (علیه السلام) سوره حمد آموخت. هنگامی که فرزند امام، سوره حمد را نزد امام خواند، امام به عبدالرحمان هزار دینار و هزار حله داد و دهانش را پر از دُر کرد.»^۱

در نامه امیرمؤمنان علی (علیه السلام) به امام حسن (علیه السلام) نیز به صراحت بیان شده که ایشان در کودکی قرآن به امام حسن (علیه السلام) آموخته است. افزون بر این، در این نامه بیان شده که ایشان قرآن را پیش از هر مطلب دیگری و به عنوان اولین ماده ی درسی به امام حسن (علیه السلام) آموخته است. در این نامه می خوانیم:

آموزش تو را با کتاب خدا و تفسیر آن و [با آموزش] شرایع اسلام و احکام و حلال و حرام آن آغاز کردم.^۲

^۱ : إن عبدالرحمن السلمی علم ولد الحسین (علیه السلام) الحمد. فلما قرأها علی أبیه أعطاه ألف دینار، و ألف حله، و حشا فاه درأ، مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۴۴، ص ۱۹۱.

^۲ : و إن ابتدئک بتعلیم کتاب الله و تأویله و شرائع الإسلام و أحكامه و حلاله و حرامه. همان، ج ۱، ص ۲۱۹.

۳. عادت دادن کودکان به قرائت قرآن

معصومان(ع) تنها به آموزش قرآن به کودکان اکتفا نمی کردند؛ بلکه علاوه بر آن، کودکان را به قرائت قرآن وادار می کردند تا کودکان با قرآن انس بگیرند و به آن عادت کنند. امام صادق(ع) می فرماید:

پدرم ما را جمع می کرد و دستور می داد تا طلوع آفتاب ذکر بگوییم و دستور می داد هر کس می تواند قرآن بخواند، قرآن بخواند و آنکه نمی تواند، ذکر بگوید.^۱
البته قرائت قرآن اختصاص به کودکان ندارد؛ در روایات، بزرگسالان نیز به قرائت قرآن توصیه شده اند. از امام صادق(ع) روایت شده است:

بر شما باد تلاوت قرآن؛ که درجات بهشت به تعداد آیات قرآن است. آن گاه که قیامت بر پا شود، به قاری قرآن گفته می شود: بخوان و بالا رو. او با خواندن هر آیه، یک درجه بالا می رود.^۲

و از پیامبر(ص) روایت شده است که فرمود:

«خانه هایتان را با تلاوت قرآن روشن کنید... هرگاه در خانه ای قرآن بسیار تلاوت شود، خیر آن بسیار گردد و اهل آن خانه برخوردار گردند و این خانه برای آسمانیان می درخشد، چنان که ستارگان برای زمینیان می درخشند.»^۳

با اینکه معصومان(ع) به عادت دادن کودکان به قرائت قرآن اهتمام داشتند، اما در این کار سختگیری نمی کردند و به کودکان اجازه می دادند برخی آداب قرائت قرآن را رعایت نکنند. به عنوان مثال؛ برای کودکانی که می خواستند قرآن بخوانند، وضو گرفتن را به عنوان شرط اجباری مطرح نمی کردند.

اسماعیل پسر امام صادق(ع) نزد او بود. امام به او گفت: پسر! قرآن بخوان. اسماعیل گفت: وضو ندارم. امام فرمود: [قرآن بخوان اما] به نوشته قرآن دست نزن و به ورق آن دست بزن.^۴

^۱: (و کان یجمعنا فیامرنا بالذکر حتی تطلع الشمس، و یأمر بالقراءة من کان یقرأ منّا، و من کان لا یقرأ منّا أمره بالذکر). کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، ج ۲، ص ۴۹۸.

^۲: (عن الصادق(ع) أنه قال: علیکم بمکارم الأخلاق، فإن الله - عزوجل - یحبها؛ و ایاکم و مذام الأفعال، فإن الله - عزوجل - یبغضها؛ و علیکم بتلاوة القرآن، فإن درجات الجنة علی عدد آیات القرآن؛ فإذا کان یوم القيامة یقال لقاریء القرآن: اقرأ وارق؛ فکلما قرأ آیه رقا درجة). مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج ۸۹، ص ۱۹۷، روایت ۴.

^۳: (قال النبی(ص): نوروا بیوتکم بتلاوة القرآن... فإن البیت إذا کثر فیه تلاوة القرآن کثر خیره، و امتع أهله، و أضاء لأهل السماء، كما تضي نجوم السماء لأهل الدنيا). همان، ص ۲۰۰، روایت ۱۷.

^۴: (عن أبي عبدالله(ع) قال: کان إسماعیل بن أبي عبدالله(ع) عنده، فقال: یا بنی اقرأ المصحف. فقال: إني لست علی وضوء.

اکنون این پرسش مطرح می شود که اولاً چرا معصومان(ع) بر آموزش قرآن در دوره کودکی تأکید داشتند؟ ثانیاً چرا قرآن را به عنوان اولین ماده درسی آموزش می دادند؟ و ثالثاً چرا بر تلاوت قرآن اصرار داشتند؟ و آیا در این تأکیدها ملاحظات تربیتی ویژه ای لحاظ شده است؟ درباره پرسش اول باید به دو موضوع اشاره کرد:

نخست آنکه انسان در دوره کودکی و نوجوانی، هم مطالب و موضوعات را آسان تر می آموزد، و هم آموخته هایش پایدارتر و استوارتر است. در روایتی از پیامبر(ص) آمده است: آنکه در جوانی بیاموزد، آموزشش به منزله نقش در سنگ است؛ و آن که در بزرگسالی بیاموزد، آموزشش به منزله نوشتن بر آب است.^۱

دوم آنکه هدف از آموزش قرآن تنها قرائت قرآن نیست؛ قرائت قرآن مقدمه ای است برای آشنایی با آموزه ها و معارف قرآن و عمل براساس آن آموزه ها. به عبارت روشن تر، هدف از آموزش قرآن آن است که شخصیت فرد، شخصیتی قرآنی گردد و اعمال و رفتار و گفتارش با معیارهای قرآنی مطابق شود. از سوی دیگر، انسان در اوایل زندگی، قابلیت تأثیرپذیری زیادی دارد و این قابلیت به موازات افزایش عمر کاهش می یابد؛ تا جایی که این قابلیت اندک و ناچیز می شود؛ از این رو امام به احوال می فرماید:

بر تو باد به جوانها که آنان سریع تر [از بزرگسالان] به سوی نیکی ها می شتابند.^۲
بدین ترتیب، آموزش قرآن در کودکی هم هزینه کمتر و بازده بیشتری دارد و هم با هدف آموزش قرآن متناسب تر است.

درباره پرسش دوم و اینکه چرا معصومان(ع) قرآن را اولین ماده درسی قرار می دادند، باید به این موضوع اشاره کرد که ظرفیت تأثیرپذیری و شکل گیری ساختار روانی و شخصیتی انسان با بالا رفتن سن، کاهش می یابد، تا جایی که در دوره کهنسالی به حداقل می رسد. تجربیات مریبان نیز مؤید این مدعا است.

اسماعیل بن عبدالخالق می گوید: امام صادق(ع) به احوال فرمود: بصره رفتی؟ احوال گفت: آری. فرمود: استقبال مردم از این موضوع [امامت] و پذیرش آنها را چگونه دیدی؟ احوال گفت: به

فقال: لا تمسّ الکتابه و مسّ الورق، بن حسن طوسی، محمد، الاستبصار، ج ۱، ص ۱۱۳، روایت ۱۳۷۶.

^۱: (موسی بن جعفر، عن أبائه(ع) قال: قال رسول الله(ص): من تعلّم فی شبابه کان بمنزلة الرسم فی الحجر، و من تعلّم و هو کبیر کان بمنزلة الکتاب علی وجه الماء.) مجلسی، محمد باقر، بحارلأنوار، ج ۱، ص ۲۲۲، روایت ۶.
^۲: (علیک بالأحداث؛ فإنهم أسرع إلى کلّ خیر.) همان، ج ۲۳، ص ۲۳۶، روایت ۲.

خدا استقبال آنان کم بود، هر چند استقبال می کردند، اما بسیار کم. امام فرمود: به جوانها بپرداز که آنان زودتر از دیگران به سوی خوبیها می شتابند.^۱

از این سیره بر می آید که احول، یکی از مبلغان مکتب تشیع، در دعوت مردم بصره ناموفق بوده است. امام به او توصیه می کند که به جوانان بپردازد و راز این توصیه را نیز چنین بیان می کند که آنان سریع تر از بزرگسالان مطالب حق را می پذیرند؛ چرا که هنوز شخصیت و ساختار درونی جوانان کاملاً شکل نگرفته است؛ و به همین جهت ساختارهای جدید را آسان تر و سریع تر می پذیرند. در مقابل، شخصیت و ساختار درونی و روانی بزرگسالان شکل گرفته است؛ از این رو ساختار جدید را به سختی و یا دیر می پذیرند. در نامه امیرالمؤمنین (ع) به امام حسن (ع) می خوانیم:

قلب و جان جوان چون زمین ناکاشته است؛ آنچه را در آن افکنده شود می پذیرد؛ از این رو به ادب آموختن پرداختم، پیش از آنکه قلب و جان [شکل گیرد و] سخت شود و ذهن مشغول گردد.^۲

در این بیان، امام قابلیت تأثیرپذیری انسان را به زمین تشبیه می کند. زمین کشاورزی ای که در آن چیزی کاشته نشده است، هر بذری که در آن افکنده شود می پذیرد و رشد می دهد؛ اما زمین کاشته شده، بذر جدید را نمی پذیرد و چنانکه باید، رشد نمی دهد.

در روایت دیگری امام صادق (ع) به شیعیان توصیه می کند که هر چه زودتر به آموزش فرزندان خود بپردازند تا مخالفان فکری آنان نتوانند اندیشه های خود را در آنان وارد کنند: «بادروا أحداثکم بالحدیث، قبل أن تسبقکم إليه المرجئة»؛ قبل از مرجئه به جوانانتان حدیث بیاموزید.^۳

بنابراین اگر بخواهیم شخصیت نونهالان به آسانی براساس قرآن شکل بگیرد، لازم است قرآن به عنوان اولین ماده درسی به آنان آموزش داده شود.

در پاسخ پرسش سوم - ایجاد عادت به تلاوت قرآن - تنها به سه موضوع اشاره می کنیم:

^۱: (إسماعیل بن عبد الخالق قال: قال أبو عبدالله (ع) للأحول: أتیت البصرة؟ قال: نعم. قال: کیف رأیت مسارعة الناس فی هذا الأمر و دخولهم فیه؟ فقال: وثه إنهم لقلیل، و لقد فعلوا ذلك و إن ذلك لقلیل. فقال: علیک بالأحداث؛ فإنهم أسرع إلى کلّ خیر.) همان.

^۲: (و إنما قلب الحدث كالأرض الخالیة، ما ألقى فیها من شیء قبلته؛ فبادرتك بالأدب قبل أن یقسو قلبك و یشغل لك.)

نهج البلاغه، ص ۲۹۵، نامه ۳۱

^۳: کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، ج ۶، ص ۴۷، روایت ۵.

نخست آنکه یادگیری قرآن نیازمند تکرار است و با یک بار خواندن، آموختن صورت نمی‌گیرد.

دوم آنکه قرآن با کتابهایی که بشر نوشته تفاوت دارد؛ شاید بتوان تمام مطالب کتابهای عادی را با یک بار خواندن درک کرد و فهمید، اما قرآن کتابی است که «ظاهری دارد و باطنی؛ ظاهرش حکم و دستور و باطنش علم و معرفت است؛ ظاهرش نیکو و زیبا و باطنش پر عمق و ژرفا است... عجایبش شمردنی و غرایبش کهنه شدنی نیست؛ چراغهای هدایت و علایم و نشانه های حکمت در آن است»^۱.

بنابراین فهم قرآن نیازمند تلاوت قرآن و تکرار آن است؛ از این رو در روایات بسیاری، مسلمانان به تلاوت قرآن توصیه شده اند. پیامبر (ص) به کثیر می‌فرماید:
فرزندم! از قرائت قرآن غفلت مکن که قرآن قلب را زنده می‌کند و از زشتیها و ناپسندیها باز می‌دارد.^۲

سوم آنکه تأثیر قرآن در شکل‌گیری شخصیت انسان نیازمند تلاوت مکرر است؛ زیرا شکل‌گیری شخصیت در انسان فرایندی تدریجی است. با توجه به مطلب بالا، تلاوت مکرر قرآن برای نیل به هدف آموزش قرآن ضروری است.

گفتار دوم: آموزش نماز

۱. شیر دادن به کودک با وضو

از جمله اقدامات تربیتی برای زمینه‌سازی و آماده‌سازی کودک برای گرایش به معنویت و عبادات، به ویژه نماز، شیر دادن به کودک در حال داشتن وضو است. اثر تربیتی آن این است که: «وضو به عنوان مقدمه نماز، نه تنها موجب تطهیر جسم از آلودگی‌ها می‌شود، بلکه تطهیر روح را نیز دربرمی‌گیرد. این طهارت جسم و روح که با وضو حاصل می‌شود، تأثیر روانی در روحیه مادر و کودک دارد. اگر مادر هنگام شیردادن با وضو باشد، باعث استراحت و آزادسازی روح کودک و رابطه معنوی او با خدا می‌شود»^۳.

^۱: (و له ظهر و بطن؛ فظاهره حکم الله و باطنه علم الله تعالی؛ فظاهره و ثیق و باطنه له تخوم، و علی تخومه تخوم؛ لا تحصی عجائبه و لا تبلی غرابته؛ فیه مصابیح الهدی و منار الحکمة.) محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمة، ج ۸، ص ۶۵، روایت ۱۶۱۰۹.

^۲: (عنه(ص): یا بنی لا تغفل عن قراءة القرآن؛ فإن القرآن یحیی القلب و ینهی عن الفحشاء و المنکر و البغی.) همان، ص ۸۱، روایت ۱۶۲۰۳.

^۳: فقیهی، علی‌نقی، شیوه ترغیب و جذب به نماز، ص ۳۲.

از مادر شیخ مرتضی انصاری پرسیدند:

فرزندت چگونه به درجات عالی تقوا و عبادت رسیده؟ پاسخ داد: من در انتظار آن بودم که فرزندم ترقی بیشتری داشته باشند؛ زیرا در هنگام شیرخوارگی اش به او شیر نمی‌دادم، مگر اینکه با وضو بودم؛ حتی در شب‌های سرد زمستان هم بدون وضو او را شیر ندادم.^۱

در مورد آیت‌الله شیخ جعفر شوشتری نیز نقل شده است:

از مادرش پرسیدند به داشتن چنین فرزندی دلخوشی؟ گفت: نه! گفتند: چرا؟ گفت: در مدت دو سال من برای یک‌بار هم او را بدون وضو و طهارت شیر ندادم و در آغوش نگرفتم. آرزویم این بود که او همچون جعفر صادق(ع) شود، ولی جعفر شوشتری شد.^۲

بنابراین، این‌گونه اقدامات، نوعی زمینه‌سازی و درونی‌کردن ریشه‌های عبادی در کودکان است.

۲. شیر دادن به کودک در حال نماز

شیر مادر از جمله نیازهای اساسی کودک است و هیچ چیز حتی اعمال عبادی، نباید مانع رسیدن کودک به این نیاز طبیعی‌اش شود. با توجه به اصل زمینه‌سازی و توجه خاص معصومان(ع) به کودک، بهتر است در اینجا به یک بحث فقهی که میان فقیهان نیز مطرح است پرداخته شود، و آن بحث شیر دادن به کودک شیرخوار در حال نماز است.

در فتاوی فقیهان آمده است: «اگر بچه گریه کند، مادرش می‌تواند در حال نماز او را در آغوش گرفته و شیر بدهد».^۳ برای تأیید این مطلب به دو روایت اشاره می‌شود؛ عمار ساباطی از امام صادق(ع) درباره زنی که در حال نماز بچه‌اش گریه می‌کند، پرسید: آیا می‌تواند به او شیر بدهد؟ امام در جواب فرمودند: «زنی که در حال نماز است می‌تواند کودک خود را، در حالی که تشهد می‌خواند، شیر بدهد»؛^۴ علی بن جعفر، برادر امام موسی بن جعفر(ع)، می‌گوید: از آن حضرت درباره زنی که به نماز ایستاده و فرزند او در کنارش گریه می‌کند پرسیدم آیا جایز است در حالی

^۱: همان، ص ۸ و ۳۲.

^۲: انصاریان، حسین، دیار عاشقان، ص ۴۴۰.

^۳: عندلیب، حمزه، احکام ما و کودکان، ص ۴۷.

^۴: ابن حسن حر عاملی، محمد، وسائل الشیعة، ج ۷، باب ۲۴، ص ۲۸۰.

که نشسته کودک را در بغل بگیرد و به دامن خود بنشاند و او را آرام کند و شیر بدهد؟ امام فرمود: اشکالی ندارد.^۱

چهبسا این عمل در روح و روان کودک تأثیر مثبت بگذارد و زمینه اولیه انس کودک را به نماز و اعمال عبادی فراهم سازد؛ زیرا بهترین غذا، در بالاترین حالت روحانی و معنوی به کودک تزریق می‌شود.

۳. موظف کردن والدین به آموزش نماز به فرزندان

از جمله فرمایشات معصومان در راه تربیت عبادی موظف کردن والدین به آموزش اعمال عبادی از جمله نماز به فرزندان است چنانکه مالک بن حویرث می‌گوید:

ما که چند جوان همسال بودیم نزد پیامبر(ص) رفتیم و بیست شب نزد پیامبر (ص) ماندیم ، پیامبر (ص) مهربان و نرم خود بود، هنگامی که دانست ما میل به خانواده مان داریم ، از خانواده مان پرسید و ما جواب دادیم . آن گاه فرمود: به سوی خانواده خود برگردید و در خانواده هایتان نماز بر پا دارید و به آنان بیاموزید و آنان را (به نماز) امر کنید.^۲

۴. سن شروع آموزش نماز

با توجه به روایات معصومان (ع) سن شروع آموزش نماز به کودکان هفت سالگی است ، امام صادق(ع) به یکی از یاران خود می‌فرماید: ما بچه هایمان را از پنج سالگی به نماز امر می‌کنیم، شما فرزندانان را از هفت سالگی امر به نماز کنید.^۳

۵. سهل گرفتن در آموزش نماز به کودک

در احادیث متعددی وارد شده که ائمه(ع) به کودکان دستور می‌دادند نماز ظهر و عصر را باهم و نماز مغرب و عشا را نیز باهم بخوانند و رعایت بسیاری از آداب و مستحبات نماز را از آنان نمی‌خواستند، فضیل بن یسار می‌گوید: علی بن حسین به کودکان دستور می‌داد نماز مغرب و عشا را باهم بخوانند و می‌فرمود: این بهتر از آن است که بخوابند و نماز عشاى آنان قضا شود.^۴

^۱: همان، ص ۲۷۹، باب ۲۲.

^۲: مالک بن حویرث قال: أتینا (ص) و نحن شبیهة متقاربون، فأقمننا عنده عشرین لیلۃ و کان رسول الله (ص) رفیقاً . فلما ظن أننا قد اشتهینا أهلنا أو قد اشتقنا سألنا عمّن ترکنا بعدنا، فأخبرناه. قال: ارجعوا الی اهلکم فأقیموا فیهم و علموهم و مروهم) ابن اسماعیل بخاری، محمد، صحیح بخاری ، ج ۸، ص ۱۳۲

^۳: (عن أبی عبدالله عن أبیه (ع) : قال : إنا نأمر صبیاننا بالصلاة إذا کانوا بنی خمس سنین؛ فمروا صبیانکم بالصلاة إذا کانوا بنی سبع سنین) حر عاملی ، وسائل الشیعه ، ج ۴، ص ۱۹، روایت ۵.

^۴: (کان علی بن الحسین (ع) یأمر الصبیان یجمعون بین المغرب و العشاء و یقول : هو خیر من أن یناموا عنها) کلینی، محمد

همچنین امام سجاده (ع) کودکانی را که نزد ایشان بودند را وامی داشت تا نماز ظهر و عصر و نماز مغرب و عشا را در یک وقت بخوانند، به ایشان اعتراض شد و ایشان فرمودند: این کار برای آنان سبک تر است و بهتر به انجام آن می شتابند و (موجب می شود) نماز را ضایع نکنند و نخوانند (تا نماز آنان قضا شود) و به کار دیگری مشغول نشوند.^۱

۶. نقل داستان های جذاب درباره عبادات به ویژه نماز

یکی از روش های مفید در آموزش معارف دینی، استفاده از داستان و مثال است. علاقه زیادی که کودکان به داستان دارند، موجب می شود تا بتوان بخش عمده معارف دینی، به ویژه احکام، اعمال و شرایط عبادی را از این رهگذر در اختیار آنان قرار داد. یکی از وسایل آموزشی که قرآن نیز به کار گرفته است، داستان و بیان سرگذشت گذشتگان است. قرآن کریم بسیاری از مباحث اعتقادی، اخلاقی و فرهنگی را در قالب داستان مطرح کرده است. در تربیت عبادی نیز برای مانوس کردن کودکان و نوجوانان به مفاهیم و تکالیف عبادی، بهتر است از داستان ها و قصه هایی که در مورد عبادات و اهمیت آن است، استفاده کرد. تأثیر این نوع آموزش افزون بر سادگی آن و انتقال سریع تر محتوا، فهم مسائل انتزاعی را برای دانش آموزان آسان تر می سازد.

۷. ارتباط کودکان با اماکن مذهبی

حضور کودکان در اماکن و برنامه های مذهبی، به ویژه نماز جماعت، مخصوصاً اگر با تشویق همراه باشد، آنان را به حضور در مسجد و اقامه نماز ترغیب می کند. شهید مطهری با توجه به نقش مسجد در تشویق کودکان به عبادت معتقد است: بچه را باید در محیط مشوق نماز خواندن برد. به تجربه ثابت شده است که اگر بچه به مسجد نرود، اگر در جمع نباشد و نماز خواندن جمع را نبیند، به این کار تشویق نمی شود؛ چون اصلاً حضور در جمع مشوق انسان است. آدم بزرگ هم وقتی خودش را در جمع اهل عبادت می بیند، روح عبادت بیشتری پیدا می کند، بچه که دیگر بیشتر تحت تأثیر است. متأسفانه کم رفتن ما به مسجد و معابد و مجالس دینی و اینکه بچه ها کمتر در مجالس مذهبی شرکت می کنند، سبب می شود که اینها از ابتدا رغبت به عبادت پیدا نکنند... ما خودمان که از بچگی با

بن یعقوب، اصول کافی، ج ۳، ص ۴۰۹

^۱: (عن علی بن الحسین (ع) أنه كان يأخذ من عنده الصبيان بأن يصلوا الظهر والعصر في وقت واحد، و المغرب و العشاء في وقت واحد. فقیل له فی ذلك، فقال: هو أخف علیهم، و اجدر أن یسارعوا إليها؛ و لا یضیعوها و لا یناموا عنها و لا یشتغلوا) نوری، میرزا حسین، مستدرک الوسائل، ج ۱۵، ص ۱۶۰

مساجد و معابد آشنا بودیم، در این اوضاع و احوال امروز چقدر به مسجد می‌رویم که بچه‌های ما که هفت ساله شده‌اند به دبستان رفته‌اند و به دبیرستان و بعد به دانشگاه، ولی اصلاً پایشان به مساجد نرسیده است، بروند! خوب، اینها قهراً از مساجد فراری می‌شوند^۱

برخی بر این باورند که هر چه میزان شرکت کودک و فعالیت‌های او در [این] محیطها بیشتر باشد، به نگرش‌های دینی والاتری دست خواهد یافت. نکته جالب دیگر در این زمینه آن است که میزان علاقه‌مندی کودک به این محیطهای مقدس نیز با میزان شرکت او و ارتباط و فعالیتش در این محیطها رابطه مستقیمی دارد.^۲

البته برای موفقیت در این کار لازم است برای کودکان، در کنار عبادت و نماز برنامه‌های متنوع و جذابی وجود داشته باشد؛ مانند اهدای جوایز، کارت تشویق، پخش شیرینی و شکلات در بین کودکان که زمینه جذب آنان را به عبادت فراهم می‌کند. از امام حسن(ع) نقل شده است که فرمودند:

نماز ظهر یا عصر را در محضر رسول خدا(ص) خواندم؛ همین که حضرت سلام دادند به ما فرمودند: بر جایتان بمانید و آن‌گاه برای تقسیم ظرف حلوایی در میان نمازگزاران از جا برخاستند و به هر کدام مقداری حلوا می‌خوراندند تا اینکه به من رسیدند؛ من کودک بودم، آن حضرت قدری حلوا به من خوراندند، سپس فرمودند باز هم بدهم؟ عرض کردم آری آن حضرت به خاطر خردسال بودنم باز هم مقداری به من خوراندند و بدین حال بودند تا آنکه به همگان حلوا خوراندند.^۳

نقل شده که در وقف‌نامه یکی از عالمان بزرگ که حدود یک قرن پیش می‌زیسته آمده است که فرمود: آنچه از من بجا مانده آن را گردو بخرید و در مسجد نگه‌داری نمایید تا آن‌گاه که کودکانی همراه با والدینشان به مسجد می‌آیند، به آنها هدیه دهید، تا عشق و علاقه به خدا، مسجد و منبر از ابتدا در آنها جوانه زند و در بزرگسالی هم اهل مسجد و معنویت شوند.^۴

گاهی متأسفانه رفتار و برخوردهای دور از انتظار مؤمنان نسبت به کودکانی که با اشتیاق برای نماز جماعت به مسجد آمدند، موجب سرخوردگی و شاید انحراف کودک از مسیر دین و خواندن نماز شود. شخصی می‌گوید:

^۱: مطهری، مرتضی، گفتارهای معنوی، ص ۱۰۰.

^۲: باهنر، ناصر، آموزش مفاهیم دینی همگام با روان‌شناسی رشد، ص ۱۲۲.

^۳: فقیهی، علی‌نقی، شیوه ترغیب و جذب به نماز، ص ۵۹.

^۴: شرفی، محمدرضا، مراحل رشد و تحول انسان، ص ۲۱۶.



در کوچکی همیشه سعی می‌کردم نماز خود را در مسجد بخوانم. روزی در حال نماز متوجه شدم پیرمردی مراقب من است. نمازم که به پایان رسید، پیرمرد به من گفت نمازت درست نیست و سپس با سخنان نیشدار خود مرا ملامت کرد. من غرق در سکوت بودم؛ هرگاه می‌خواستم از او بپرسم کجای نماز من اشتباه است، اجازه نمی‌داد و پیوسته می‌گفت نمازت درست نیست و امثال تو حق ندارند به مسجد بیایند. از آن به بعد تصمیم گرفتم دیگر به مسجد نروم و در منزل هم نماز نخوانم؛ این نخستین قدم برای ترک کامل نماز و انحرافم از طریق اسلام بود.^۱

این در حالی است که سیره معصومان(ع) کاملاً با این شیوه برخورد مخالف است. جابرین عبدالله می‌گوید: از امام باقر(ع) در مورد حضور بچه‌ها در نماز جماعت پرسیدم. امام(ع) فرمودند: «بچه‌ها را در صف آخر در کنار هم قرار ندهید، بلکه آنان را در بین صف‌ها جدا جدا بنشانید (و با ایستادن بزرگ‌ترها در میانشان جدایی بیفکنید)». ^۲ شاید یکی از علت‌های آن این باشد که کودکان احساس بی‌توجهی و بی‌احترامی نکنند و با این شیوه، هم احترام کودکان را حفظ کرده‌ایم و به آنان شخصیت داده‌ایم و هم انگیزه حضور آنان در مسجد و نماز جماعت بیشتر شده، و در عین حال به نماز جماعت نیز نظم خاصی بخشیده‌ایم. البته مختصر برگزار کردن نماز جماعت نیز از جمله سفارش‌های معصومان(ع) می‌باشد، که در جذب و تشویق کودکان به نماز جماعت نقش اساسی دارد. بنابراین، چگونگی برخورد با کودکان و حتی نوجوانان و جوانان نیز باید توأم با محبت، احترام و تشویق باشد.

جمع بندی

از آنچه بیان شد در می‌یابیم که از جمله راهکارهای آموزش قرآن در روایات این است که معصومین(ع) بر آموزش قرآن تاکید داشته و آن را به عنوان اولین و مهم‌ترین ماده درسی به کودکان و بزرگسالان آموزش می‌دادند و نیز به کودکان سفارش می‌کردند که به صورت مرتب به تلاوت قرآن بپردازند.

راهکار آموزش نماز در روایات به این صورت بوده که برای آموزش آن به کودکان، والدین را موظف به آموزش نماز می‌کردند و آموزش نماز را قبل از سن تکلیف و از هفت سالگی شروع می‌نمودند و در انجام نماز نسبت به کودکان سخت‌گیری نمی‌نمودند تا به تدریج کودکان به نماز خواندن عادت کنند.

^۱: فقیهی، علی‌نقی، شیوه ترغیب و جذب به نماز، ص ۸۱.

^۲: کلینی، محمدبن یعقوب، اصول کافی، ج ۳، ص ۴۰۹.

فهرست منابع

- ۱) قرآن کریم، ترجمه محمد علی رضایی اصفهانی و همکاران ، قم ،موسسه فرهنگی تحقیقاتی دار الذکر .
- ۲) احمدی، سیداحمد، اصول و روش‌های تربیت در اسلام، اصفهان، دانشگاه اصفهان، ۱۳۸۴ش.
- ۳) انصاریان، حسین، دیار عاشقان، تفسیر صحیفه سجادیه حضرت زین العابدین(ع)، تهران، پیام آزادی، ۱۳۷۲ش.
- ۴) باهنر، ناصر، آموزش مفاهیم دینی همگام با روان‌شناسی رشد، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۷ش.
- ۵) حسینی زاده ، علی ، سیره تربیت پیامبر(ص) و اهل بیت (ع) ، قم ، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه ، ۱۳۹۱ش.
- ۶) داوودی، محمد، سیره تربیتی پیامبر(ص) و اهل‌بیت(ع)، تربیت دینی، قم، پژوهشکده حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۹ش.
- ۷) دشتی، محمد، ترجمه نهج البلاغه ، قم، مؤسسه انتشارات منشور، چ یازدهم ، ۱۳۸۰ش.
- ۸) ری شهری ،محمد محمدی ، العلم والحکمه فی الكتاب والسنة، قم ، دار الحدیث ، ۱۳۹۲ش.
- ۹) شرفی، محمدرضا، مراحل رشد و تحول انسان، تهران، ارشاد اسلامی، ۱۳۶۸ش.
- ۱۰) طوسی ، محمد بن حسن بن علی ، الاستبصار ، چاپ چهارم ، تهران ، دار الکتب الاسلامیه ، ۱۳۶۳ش
- ۱۱) فقیهی، علی‌نقی، شیوه‌های ترغیب و جذب به نماز، تهران، مؤسسه مهر تابان، ۱۳۸۴ش
- ۱۲) کلینی ، محمد بن یعقوب ، اصول کافی ، تهران، دار الکتب الاسلامیه ، ۱۳۶۷ ش.
- ۱۳) محمدی ری شهری ، محمد ، میزان الحکمه ، قم ، دار الحدیث ، ۱۴۲۲ق.
- ۱۴) مروجی طیبسی ،محمد جواد ، حقوق فرزندان در مکتب اهل بیت (ع) ، بوستان کتاب ، ۱۳۸۳ش.
- ۱۵) مطهری ، مرتضی ، گفتارهای معنوی، تهران ، نشر صدرا، ۱۳۷۳ش.
- ۱۶) نوری،طبرسی، میرزا حسین، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، بیروت: مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث، چ اول ، ۱۴۰۸ق.